

ارسالی : ژاله ، ع.ص.نایبخیل

## سالروز «انقلاب اکتوبر» روسیه

بدون شک انقلاب اکتوبر یکی از مهمترین و با اهمیت ترین رویدادهای تاریخ بشر است که پیروزی آن تا حد زیادی مرهون تیزهوشی و درایت شخص لنین بود. پیروزی این انقلاب، که به یک نظام سیاه استبدادی و استعماری تزاری خاتمه داد و ندای عدالت و انسانیت را به دوستان آزادی و برابری رساند، در سراسر دنیا بازتاب گسترده یافت.

اندیشه لنین به عنوان «مارکسیسم دوران امپریالیسم یا آخرین مرحله سرمایه داری» به شهرت رسید و به عنوان شالوده نظری انترناسیونالیسم پرولتری و کارپایه ایدئولوژیک بسیاری از احزاب و جنبش های کمونیستی جهان شناخته شد.

اندیشه لنین بر پایه برتری طبقه کارگر و حقانیت تاریخی آن استوار است. به نظر لنین طبقه کارگر حق دارد برای انجام رسالت تاریخی خود، به سلطه طبقات دیگر پایان دهد و سیادت مستقل خود را، که همان دیکتاتوری پرولتاریا است، مستقر سازد. افزار کارگران برای رسیدن به این هدف حزب طبقه کارگر است که به گفته لنین "آگاه ترین عناصر طبقه کارگر" در آن گرد آمده و متشکل شده اند. بالاخره به تاریخ ۷ نومبر سال ۱۹۱۷ میلادی: در صبحگاهان گاردهای سرخ مرکب از کارگران و دهقانان کمونیست وارد کاخ زمستانی تزارها در سن پترزبورگ شدند و درحالی که کشتی های جنگی تند رو، بنام «اورورا» به اطراف کاخ گلوله می زد به عمر دولت موقت روسیه مرکب از لیبرالها و سوسیالیستهای میانه رو به ریاست کرنسکی پایان دادند، دسته های دیگر گارد سرخ و متعاقب آنان مردم ایستگاه راه آهن ، تیلیفونخانه ، دوقرارگاه نظامی شهر و ادارات دولتی را متصرف شدند و به این ترتیب ۳۴ سال پس از مرگ کارل مارکس ، نظامی بر پایه اندیشه و فرضیه های او در روسیه ( کشوریکه وضعیت و شرایط آن برای پیاده کردن فوری چنین فرضیه هایی آمادگی نداشت ) روی

کار آمد و ۷۴ سال دوام آورد و جنگ جهانی دوم را از سر گذراند، کرنسکی در فبروری سال ۱۹۱۷ میلادی، در زمانی که روسهای ناموفق در جنگ جهانی اول از تبعیض و فقر و بی ثباتی کشور شان به جان آمده بودند روی کار آمده بود و تزار نیکلای دوم اختیاراتش را به او سپرده بود تا به اوضاع روسیه سر و سامان بخشد که موفق نشده بود.

رهبری انقلاب بلشویکی روسیه را، ولادیمیر ایلیچ "لنین" برعهده داشت که تا چندماه پیش از انقلاب در سوئیس به حالت تبعید به سر می برد و به کمک کمونیستهای آلمانی به وطن باز گشته بود، جوانان و طبقه تحصیلکرده روسیه با خواندن داستانهای «تولستوی» که درست هفت سال پیش از انقلاب در ۸۲ سالگی درگذشته بود از وضعیت موجود روسیه بیزار شده بودند و بی صبرانه در انتظار یک تحول اساسی (انقلاب) بودند ۹ روز پس از سقوط سن پترزبورگ، مسکو نیز به تصرف بلشویکها در آمد، لنین ماه بعد مذاکرات صلح را با آلمان و اتریش آغاز کرد، انقلاب روسیه ظرف دو — سه سال بر همه مخالفان داخلی و خارجی از جمله دولتهای انگلستان، فرانسه، جاپان و آمریکا که نیرو به کمک مخالفان داخلی فرستاده بودند پیروز شد، این نیروهای شوروی بودند که در سال ۱۹۴۵ میلادی برلین پایتخت آلمان را گرفتند و به جنگ جهانی دوم در اروپا پایان دادند، در پی جنگ جهانی دوم، میان دو نظام اقتصادی جهان {سوسیالیسم و — کاپیتالیسم} و دولتهایی که این دو نظام را نمایندگی می کردند یک معارضه که به جنگ سرد معروف شد و نزدیک به پنج دهه طول کشید جریان داشت، شوروی در این مدت در موارد متعدد در ساخت سلاحهای تازه از جمله موشک از رقیب خود جلو افتاد و با کمکهای آن، رقیب در دو جنگ منطقه ای (کره و ویتنام) ناموفق شد، ولی نظام شوروی نتوانست با آموزش و پرورش، نسلی وفادار را به بار آورد و تامین نیازهای اقتصادی مردم خود را دست کم گرفت و امید آنان را به آینده نظام متزلزل ساخت.

گردانندگان نظام شوروی بعد از نیمه دهه ۱۹۸۰ میلادی قاطعیت خود را از دست دادند و با چند دو دلی و اشتباه آنان، نظام شروع به ریزش از درون کرد به گونه ای که بوریس یلتسین که روزگاری خود را از کمونیستهای وفادار نشان می داد و از پلکان حزب کمونیست بالا آمده بود در سال ۱۹۹۱ میلادی ، در سالروز انقلاب بلشویکی ، حزب کمونیست را که خود زمانی رئیس يك شعبه ان بود خاینانه پس از ۷۴ سال حاکمیت غیر قانونی اعلام کرد! و نزدیک به دوماه بعد هم با دومقام دیگر ، اتحاد شوروی را بدون توسل به فراندم و یا رای پارلمان منحل کرد و... به سبب کمبود شدید روزنامه نگار واقعی و تاریخنگار مستقل ( غیر وابسته به يك دولت ) که جهان از اوایل قرن ۲۰ از ان رنج می برد هنوز تحقیق بی طرفانه در باره انحلال شوروی و راههایی که به این انحلال ختم شد صورت نگرفته است، کشف حقایق در ادوار تاریخی سابق به مراتب آسان تر از قرن ۲۰ و ادامه ان بوده است.

و اینک مختصری در مورد ولادیمیر ایلیچ لنین رهبر انقلاب اکتوبر:

#### رهبر انقلاب اکتوبر در هنر رئالیسم سوسیالیستی

ولادیمیر ایلیچ اولیانوف (معروف به لنین) یکی از برجسته ترین چهره های سیاسی قرن بیستم بود. او ۱۳۵ سال پیش در روسیه به دنیا آمد.

لنین در ۲۲ اپریل سال ۱۸۷۰ در شهر کوچک سیمبرسک در خانواده ای با رفاه و تحصیلات نسبتا بالا چشم به جهان گشود. در قرن نوزدهم روسیه با ساختار مسلط فئودالی، نسبت به اروپا کشوری عقب مانده به شمار می رفت. در این کشور پهناور اشکال دیرین بهره کشی و ستم اجتماعی بی داد می کرد. توده های گسترده مردم با فقر و بی سوادی روبرو بودند. خاندان سلطنتی رومانوف با پشتیبانی کلیسای ارتودوکس، با داغ و درفش بر کشور فرمان می راند.

برادر بزرگتر لنین در سال ۱۸۸۷ به جرم شرکت در توطئه ای برای ترور تزار الکساندر سوم دستگیر و اعدام شد. گفته اند که مرگ برادر، بر لنین جوان تأثیر عمیقی باقی گذاشت و او را به سوی افکار قهرآمیز سوق داد.

لنین برای شروع تحصیلات حقوق به شهر کازان رفت. در دانشگاه با دانشجویان مخالف رژیم آشنا شد و به مبارزه سیاسی روی آورد. به خاطر فعالیت سیاسی غیرقانونی و همکاری با دانشجویان چپ گرا، چند بار دستگیر و سرانجام از دانشگاه اخراج شد.

لنین به سال ۱۸۹۳ به شهر سن پترزبورگ نقل مکان کرد که در آن زمان مرکز افکار چپ و جنبش انقلابی بود. او در این شهر خود را وقف مبارزه کرد، با اندیشمندان و فعالان تحول خواه روسیه مانند گئورگی پلخانوف آشنا شد و در مطبوعات چپ به تبلیغ ضرورت انقلاب کارگری در روسیه پرداخت.

لنین در آخر سال ۱۸۹۵ بار دیگر دستگیر شد. نخست سالی در زندان گذراند و سپس در دادگاه به سه سال تبعید در سیبری محکوم شد. در تبعیدگاه نخستین آثار نظری مستقل خود را نوشت که او را در میان هواداران جنبش کمونیستی به شهرت رساند. او اندیشه کارل مارکس را بهترین راهنمای عمل برای جنبش کارگری خواند و تبلیغ عقاید او را وظیفه تمام انقلابیون دانست.

لنین در دوران تبعید در سال ۱۸۹۸ با نادژدا کروپسکایا که از فعالان جنبش چپ بود، ازدواج کرد. آن دو، پس از پایان تبعید لنین در سال ۱۹۰۰ روسیه را ترک کردند و سالهای بعد را در اروپا، عمدتاً سوئیس و اتریش به سر بردند.

لنین روزنامه ایسکرا (جرقه) را در اروپا منتشر کرد و در آن به نشر اخبار جنبش کارگری روسیه و تبلیغ امر انقلاب پرداخت. روزنامه که مخفیانه به روسیه می رسید، از سال ۱۹۰۲ به صورت ارگان اصلی "حزب سوسیال دموکرات کارگری روسیه" در آمد. این حزب برای سرنگونی تزار در روسیه و پایه گذاری یک نظام سوسیالیستی فعالیت می کرد و با جنبش کمونیسم بین الملل روابط نزدیک داشت.

دومین کنگره حزب سوسیال دموکرات سراسری روسیه در سال ۱۹۰۳ در لندن برگزار شد. در بحث پیرامون تدوین شعارهای مرحله ای مبارزه با رژیم تزاری، لنین موضعی رادیکال اتخاذ کرد و هر شعاری غیر از "سرنگونی رژیم تزاری و تشکیل حکومت

کارگری" را "سازش با طبقات استثمارگر و خیانت به منافع طبقه کارگر" خواند. او با همراهان خود که بلشویک (اکثریت) نامیده شدند، جناح رادیکال حزب را تشکیل دادند.

به نظر مخالفان لنین در حزب (منشویک ها) زمینه های عینی و ذهنی انقلاب در روسیه فراهم نبود. در برابر آنها لنین معتقد بود که "انقلابیون حرفه ای" وظیفه دارند که توده های زحمتکش را برای کسب قدرت با توسل به "قهر انقلابی" آماده کنند.

مخالفت بلشویک ها با کادرهای قدیمی حزب (منشویک)، نخست به رقابت، و سرانجام به دشمنی تا انشعاب کامل از حزب در سال ۱۹۱۲ انجامید. این بزرگترین انشعاب در جنبش سوسیالیستی روسیه بود که پیامدهای سنگینی برای ادامه تئوری و عمل انقلابی در این کشور به دنبال داشت.

لنین در انقلابی که در سال ۱۹۰۵ در روسیه در گرفت، و با خشونت سرکوب شد، نتوانست نقش مهمی ایفا کند. او به شکل خستگی ناپذیر به فعالیت سیاسی ادامه داد. بلشویک های طرفدار او شبکه زیرزمینی مجهزی در داخل روسیه تشکیل دادند و به ترویج افکار کمونیستی در میان کارگران، سربازان و روشنفکران دست زدند.

در سال ۱۹۱۴ روسیه که در بحران اقتصادی بی کرانی فرو رفته بود، وارد جنگ جهانی اول شد. رژیم تزاری که از رساندن آذوقه و تجهیزات به سربازان ناتوان بود، در جبهه جنگ با بی نظمی و نافرمانی ارتشیان، و در داخل کشور با اعتراض گسترده شهروندانی روبرو بود که از فساد و استبداد حاکمان به جان آمده بودند.

مبارزه مردم برای دستیابی به آزادی و بهروزی اشکال رادیکال تر و گسترده تری به خود گرفت. در فبروری سال ۱۹۱۷ تزار نیکلای دوم در برابر اعتراضات عمومی از سلطنت خلع شد. مجلس روسیه (دوما) حاکمیت را به یک دولت موقت سپرد.

انقلاب فبروری پیروزی بزرگی برای مردم روسیه به شمار می رفت. دولت موقت با برنامه ای دموکراتیک، با هدف برقراری آزادی ها و حقوق دموکراتیک، بر سر کار آمد. آزادی های سیاسی برقرار شد. تقریباً تمام احزاب روسیه، حتی بلشویک ها از دولت

موقت پشتیبانی کردند. همه امید داشتند که با سقوط تزاریسیم، نظامی قانونی و مردم گرا به قدرت برسد که به نابسامانی های کشور پایان دهد.

لنین که در تبعید از تحولات روسیه به شوق آمده بود، راه بازگشت به میهن را در پیش گرفت.

لنین پس از ورود به روسیه در اپریل ۱۹۱۷ در اولین اقدام، سیاست حزب را به باد حمله گرفت و مشی تازه ای برای بلشویکها تصویب کرد. او دولت موقت را "نوکر بورژوازی" خواند و حمایت از آن را خیانت به زحمتکشان دانست. به نظر او کارگران باید مبارزه مستقلی شروع کنند، انقلاب بورژوایی را با انقلابی پرولتری تکمیل کنند و به سوی کسب انحصاری حاکمیت و تشکیل یک نظام سوسیالیستی پیش بروند.

لنین پس از بازگشت به پتروگراد بلشویک ها را به درهم شکستن ماشین دولتی برانگیخت با گسترش آزادی های مدنی، کارگران و سربازان ناراضی در شهرهای گوناگون روسیه شوراهای صنفی (سوویت) تشکیل داده بودند که فعالیت آزاد و علنی داشتند. آنها خواهان تعمیق دستاوردهای انقلاب فبروری بودند. رهنمود لنین برای بلشویکها در این مرحله عبارت بود از: نفوذ در شوراها، طرح شعارهای تند انقلابی، به دست گرفتن رهبری شوراها و هدایت آنها به سوی قیام مسلحانه.

طی چند ماه بلشویکها توانستند رهبری را در دو شورای بانفوذ پتروگراد و مسکو به دست گیرند. کمونیست ها (حزب بلشویک) پرشمار نبودند، اما با تکیه بر شبکه فعالی از اعضای با ایمان، که لنین آنها را "انقلابیون حرفه ای" می خواند، قادر بودند تا ۲۵ هزار نفر را در پتروگراد مسلح کنند.

در شامگاه ۲۴ اکتوبر بلشویکها در پتروگراد قیام مسلحانه اعلام کردند. "گاردهای سرخ"، دسته های مسلح کارگران، سربازان و روشنفکران به پادگانها و ادارات دولتی حمله بردند، مراکز حساس را به تصرف در آوردند و وزرای دولت موقت را در "کاخ زمستانی" دستگیر کردند.

در پاسخ به فراخوان لنین و بلشویکها که شعار "تمام قدرت به شوراها" را طرح کرده بودند، "کنگره سراسری شوراها روسیه" با بلشویک ها اعلام همبستگی کرد. شورای پتروگراد حاکمیت کشور را به "شورای کمیسرها خلق" به رهبری لنین واگذار کرد. لنین در جلسه شورا نطقی هیجان انگیز ایراد نمود و به عنوان رئیس نخستین دولت سوسیالیستی جهان زمام امور را به دست گرفت. او هدف دولت تازه را "حاکمیت کارگران و دهقانان" و برپایی نظام سوسیالیستی در روسیه اعلام کرد.

بلشویکها مقاومت رقبا و مخالفان خود را در هم شکستند و قدرت خود را گسترش دادند. آنها در عین حال توانستند با طرح شعارهای انسان دوستانه و عدالت خواهانه بسیاری از روشنفکران و بخشی از لایه های محروم و ستم دیده را به سوی جنبش خود جلب کنند.

در دسامبر ۱۹۱۷ لئون تروتسکی کمیسر خلق در امور خارجی، از جانب دولت انقلابی روسیه در برست لیتوفسک با آلمان و اتریش قرارداد آشتی امضا کرد. این گام مهمی بود در تحکیم پیروزی بلشویک ها.

در برابر پیروزی برق آسای "سرخ ها" مخالفان نظام بلشویک جبهه متحدی از "ارتش سفید" را تشکیل دادند و با حمایت کشورهای غربی به نبرد با نظام انقلابی پرداختند. ارتش سرخ که با درایت تروتسکی بسیج و مجهز شده بود، در جنگهای شدید موفق شد تا پایان سال ۱۹۲۰ پیروزی بلشویکها را مسجل سازد.

لنین که طی سوء قصدی در سال ۱۹۱۸ به سختی زخمی شده بود، در دو سال آخر زندگی عملاً از هدایت حزب و کشور ناتوان مانده بود. رهبری حزب به دست دو تن از یاران نزدیک او افتاد که با هم دشمنی دیرین داشتند: تروتسکی و استالین.

پس از مرگ لنین در ژانویه ۱۹۲۴ یوزف استالین مدعی جانشینی او شد.

[www.ayenda.org](http://www.ayenda.org)